

بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمد رضا احمدی و مگان مک دونالد

*سحاد نجفی بهزادی

دکتر جهانگیر صفری

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر سید کاظم موسوی

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

دکتر مسعود فروزنده

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودکانه احمد رضا احمدی و مگان مک دونالد^۱ دو نویسنده کودک ایران و جهان برای بررسی شیوه ارائه درونمایه، تناسب درونمایه با ویژگی مخاطب کودک و نگرش نویسنده‌گان نسبت به کودک برای دست یافتن به نقاط ضعف و قوت نویسنده‌گان در انتخاب و پردازش مناسب درونمایه داستانهای کودک است. روش

۱۳۷



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۹۵، بهار ۱۳۹۷

تحقيق به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا است. درونمایه داستانهای دونالد درباره مسائلی چون کنجکاوی و افزایش میزان اطلاعات کودک درباره خود و خودبازی کودک برای حفظ و نجات محیط زیست و... است و درونمایه داستانهای احمدی مسائلی چون پرسشگری کودک راهی برای شناخت بهتر جهان، افسرده‌گی و اندوه ناشی از تنها‌یی و تأثیر آن در مخاطب کودک، غنیمت شمردن فرصلتها و لحظات زندگی و ... را بیان می‌کند. این مقایسه نشان داد که کودک در داستانهای دونالد خودبازی و اعتماد به نفس زیادی دارد به طوری که می‌خواهد دنیا را نجات دهد؛ اما کودک در داستانهای احمدی در مقایسه با کودک داستانهای دونالد، خودبازی کمتری دارد. دونالد در قالب حوادث شاد و هیجان‌انگیز داستان توانسته است گوشاهی از توانمندی، علایق و دنیای کودکان را به نمایش بگذارد.

کلیدواژه‌ها: درونمایه داستان، کودک، داستانهای احمد رضا احمدی، داستانهای مک دونالد، داستانهای کودک ایرانی و خارجی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۶

*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

۱. مقدمه

دروномایه، فکر و اندیشه و نوع نگاه نویسنده به مسائل و مقولات مختلف است که در داستان بیان می‌شود و یکی از عناصرهای مهم داستان به شمار می‌رود. «دروномایه از موضوع به دست می‌آید و درواقع تفسیر و نگرش نویسنده را نسبت به موضوع داستان نشان می‌دهد.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۳۰۰). نورتون می‌گوید: «دروномایه هر داستان اندیشه نهفته‌ای است که پیرنگ، شخصیتها و صحنه‌پردازی را به هم پیوند می‌زند و به کلیتی معنادار تبدیل می‌کند» (نورتون، ۱۳۸۲: ۱۱۶). درونمایه در داستانهای کودک نقش مهمی دارد. انتخاب و پردازش مناسب درونمایه یکی از راههای جذب کودک به مطالعه داستان است. بررسی و مقایسه تطبیقی درونمایه داستانهای نویسندهای کودک ایران و جهان- برای دست یافتن به آثاری متناسب با ظرفیت ذهنی و درک کودک- مسئله‌ای مهم و قابل توجه است. ادبیات کودک ایران، فراز و نشیبهای گوناگونی داشته است. نگاه و نگرش نویسندهای کودک ایران و جهان به کودک و آینده او متفاوت است. به نظر می‌رسد نویسندهای جهان به مسائل کودکانه و علایق و خواسته‌های آنها توجه بیشتری دارند که این میزان توجه در آثار نویسندهای کودک ایران کمتر به نظر می‌رسد.

کاستیهای ادبیات کودک را از یک سو، باید در تغییر نسل و فاصله پدید آوردندهای کان و مخاطبان و از سوی دیگر در نگاه پدیدآورندگان امروز به کودک جستجو کرد. ادبیات کودک می‌تواند با طرح سؤال در ذهن کودک او را به اندیشیدن و دارد و به جای القای ارزش‌های از پیش تعیین شده، حرکت فکری در کودکان پدید آورد. داستان در افزایش تفکر و حرکت فکری کودک نقش مهمی دارد. داستان برانگیزاندۀ قدرت اندیشیدن و خیال‌پردازی در کودک است. «خواندن داستان در هر اجتماع پژوهشی، عملی فلسفی است و کوشش در درک داستان تأویل آن کوشش در درک جهان و تأویل آن است» (خسرونژاد، ۱۳۸۴: ۳۰). به نظر می‌رسد آنچه باعث جذابیت داستانهای ترجمه شده برای کودک ایرانی شده، علاوه بر مسائل آموزشی، توجه به شخصیت کودک و مسائلی است که کودک برای گذراندن کودکی و ورود به دنیای بزرگسالی نیاز دارد. موضوع داستانهای «جودی» اثر مک دونالد، دغدغه‌ها، مسائل و مشکلاتی است که کودک در آغاز راه اجتماعی شدن و سالهای آغازین مدرسه با آن رو به رو است (ر.ک عفتی، ۱۳۹۴: ۷). هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی درونمایه

بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمد رضا احمدی و مگان مک دونالد

داستانهای دو نویسنده کودک ایران و جهان (احمدرضا احمدی و مگان مک دونالد) برای دست یافتن به تفاوت درونمایه‌ها، شیوه ارائه، تناسب درونمایه با مخاطب کودک و نگرش نویسنده‌گان نسبت به کودک است.

۱-۱ اهمیت پژوهش

اهمیت تحقیق در این است که با مقایسه آثار داستانی «مگان مک دونالد» و «احمدرضا احمدی» نویسنده برجسته کودک ایران و جهان می‌توان به نوع نگرش دو نویسنده نسبت به کودک با دو فرهنگ متفاوت دست یافت. اگرچه دو نویسنده از دو فرهنگ و اجتماع متفاوت هستند، آنچه این مقایسه را توجیه‌پذیر می‌کند، ویژگیهای کودک و نیازها و خواسته‌های ذاتی اوست؛ اینکه دو نویسنده چه اندازه به خواسته‌ها، آرزوها و دنیای کودک توجه دارند؟ این بررسی تطبیقی کمک می‌کند تا نقاط ضعف و قوت نویسنده‌گان در حوزه ساختار و درونمایه (انتخاب درونمایه، پردازش مناسب درونمایه و...) را مشخص کند که این تحقیق بیشتر درونمایه را بررسی می‌کند. هدف این مقاله بررسی نوع نگرش نویسنده‌گان با دو فرهنگ متفاوت به کودک است؛ اینکه چه مسائلی از کودک بیشتر مدنظر است و نویسنده‌گان در داستانها به دنبال ارائه چه مسائلی هستند و این مسائل چه اندازه با دنیای کودک مطابقت دارد؟ اگر چه دو نویسنده از نظر فرم و محتوا چندان قرابتی با هم ندارند، درونمایه، که فکر و اندیشه نویسنده در داستان است و نوع نگرش او را نسبت به کودک نشان می‌دهد، بیشتر مورد توجه بوده است.

◆ فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۹، بهار ۱۳۹۷

احمدرضا احمدی یکی از شاعران و فانتزی‌نویسان معاصر ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌رود. داستانهای او آمیزه‌ای از نثر، شعر و خیال‌پردازیهای اوست. قدم گذاشتن در متن آثار احمدی به حرکت در ژرفای مه می‌ماند.

سبک داستانهای او از داستانهای معمول و کلیشه‌ای فاصله زیادی دارد به طوری که او با آثار خود ادراک حسی مخاطب را دوباره سازمان می‌دهد؛ آن هم نه از مسیر قاعده‌های آشنا و عادتهای ملموس، بلکه از طریق آشنایی‌زدایی. در هر بار خواندن آثار احمدی، متوجه معانی تازه‌ای می‌شویم که معانی سابق را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و به پس زمینه می‌راند (کاولد، ۱۳۸۱: ۴۹).

احمدی سعی می‌کند روایت جدیدی برای کودک خلق کند و از کلیشه‌ها فاصله بگیرد تا مخاطب را مجازب داستانهای خود کند.

مگان مک دونالد متولد سال ۱۹۵۹ در ایالت ویرجینیا یکی از نویسنده‌گان بر جسته ادبیات کودک امریکا است که با انتشار مجموعه داستانهای «جودی دمدمی» محبوبیت زیادی بین کودکان به دست آورد. او در این مجموعه دنیای کودکان را با تمام علايق و نیازهایشان به نمایش می‌گذارد. شخصیتهای داستانهای دونالد را کودکان تشکیل می‌دهند. محور و موضوع اصلی داستانهای دونالد کودک و مسائل زندگی اوست.

۱-۲ روش پژوهش

روش پژوهش، کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا است. در این پژوهش آثار کودکانه دو نویسنده (احمدی و دونالد) بررسی شده است. آثار دونالد در قالب مجموعه ۱۲ جلدی با عنوان «جودی دمدمی» انتشارات افق، که از مهمترین آثار دونالد است و داستانهای بر جسته کودک احمد رضا احمدی که برای گروه سنی ب و ج نوشته شده، انتخاب شده است؛ داستانهایی چون «در باران از سفر آمد»، «عمر هفت چوب کبریت»، «عروس و داماد در باران»، «پروانه روی بالش من»، «شب چهاردهم ماه»، «باران دیگر نمی‌بارید»، «سفر»، «در بهار پرنده را صدا زدیم»، «نوشتم باران باران بارید» و

۱-۳ پیشینه پژوهش

درباره مقایسه تطبیقی آثار دو نویسنده، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما درباره آثار داستانی کودک احمد رضا احمدی، فانتزی نویس ایران و مک دونالد به صورت جداگانه پژوهشیابی صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مقاله «بررسی دو داستان کودک از احمد رضا احمدی بر پایه نظریه خواننده درون متن» که به همت سعید حسام‌پور، زهرا پیرصوفی املشی و سمانه اسدی که بهار ۱۳۹۲ در مجله ادب پژوهی به چاپ رسیده است. ۲. مقاله «خواننده نهفته در دو داستان کودک از احمد رضا احمدی» به وسیله سعید حسام‌پور، زهرا پیرصوفی املشی و سمانه اسدی بهار ۱۳۹۲ در مجله نقد ادبی چاپ شده است. ۳. مقاله «تسليیم نشدن به وسوسه قضاوت (نگاهی به ویژگی یگانه داستانهای احمد رضا احمدی» که به وسیله علی اصغر سید‌آبادی پاییز ۱۳۸۶ در پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان چاپ شده است. ۴. مقاله «قصه‌گویی در شعر» (نگاهی به کتابهای کودک و نوجوان احمد رضا احمدی) به وسیله

شهره کائندی اسفند ۱۳۸۱ در مجله کتاب ماه کودک و نوجوان به چاپ رسیده است.^۵ مقاله «ساختار کودکی» (نگاهی ساختاری به کتاب نوشتمن باران، بارید اثر احمد رضا احمدی) که به وسیله حسین شیخ‌الاسلامی پاییز ۱۳۸۶ در پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان به چاپ رسیده است.^۶ مقاله «نقد و بررسی: گم/ مقایسه دو اثر در نگاهی کلی مقایسه دو داستان کودک احمد رضا احمدی»، به وسیله زری نعیمی، مهرماه ۱۳۸۴ در مجله کتاب ماه کودک و نوجوان به چاپ رسیده است.^۷ مقاله «نقد و بررسی داستان دو داستان جودی انجمن مخفی تشکیل می‌دهد و خاطرات یک خون‌آشام از دید برنامه فلسفه برای کودکان» به وسیله مریم عفتی کلاته، بهار ۱۳۹۴ در مجله فلسفه و کودک به چاپ رسیده است.

۲. بررسی درونمایه داستانهای احمد رضا احمدی

درونمایه‌های داستانهای احمد رضا احمدی (آثار کودکانه) نسبت به دیگر نویسنده‌گان ادبیات کودک از تنوع خاصی برخوردار است. انتخاب موضوع و درونمایه‌هایی از طبیعت و آفرینش، جلوه‌ای تازه برای مخاطب کودک فراهم کرده است. فهم برخی از ۱۴۱ درونمایه داستانهای احمدی برای کودک چندان آسان نیست.

◆

احمدی سعی می‌کند به گونه‌ای دنیای ذهنی خودش را با دنیای کودکان تطبیق دهد؛ اما واقعیت این است که چون نمی‌تواند از تابع‌ها و معیارهای ذهن خودش بگذرد، برخی از آثارش کودک محور نیست. احمدی گاهی می‌کوشد به کمک تکرار، پس‌زمینه و فضای اثر را برای مخاطب آسانتر کند؛ اما از آنجا که ذهنیتها بزرگ‌سالانه است در این کار توفیق چندانی نمی‌یابد (نعمی، ۱۳۸۴، الف: ۶۹).

اگرچه احمدی سعی می‌کند که ذهن و تخیل خود را به دنیای کودکان نزدیک کند، تخیل، ذهن و تصاویر بصری داستانهای او گاهی دشوار به نظر می‌رسد. شیوه ارائه درونمایه در آثار احمدی اغلب غیرمستقیم است. شاید چنین عاملی باعث کنجدکاوی و تلاش مخاطب در فهم درونمایه باشد؛ اما کودک چندان از این تلاش لذت نمی‌برد. نمادین بودن برخی عناصر آثار احمدی باعث این مسئله شده است.

۲-۱ نگرش تخیلی به پدیده‌ها برای افزایش شناخت کودک

احمدی با پرداختن به پدیده‌های طبیعی، گردش فصول، شکل‌گیری ابرها و باران، رنگین‌کمان،

◆

فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۹، بهار ۱۳۹۷

چرخه آب و عناصری چون ماه، ستاره، خورشید و غیره، کودک را با هستی و چگونگی شکل‌گیری آن در قالب زبانی آهنگین و شعرگونه، آشنا می‌کند. نگرشی که نویسنده به پدیده‌ها دارد، تخیلی و از دریچه ذهن کودک است. در داستان «در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود» گردش فضول و شناخت پدیده‌های طبیعت به کودک نشان داده می‌شود.

در ماه فروردین در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود و ماه بزرگ بود و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند و دیدند که لکه‌هایی به دور ماه می‌چرخند. کودکان همه لکه‌ها را در کتابچه‌های مشق نقاشی کردند. در ماه اردیبهشت در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود و ماه بزرگ بود و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند و دیدند که لکه‌هایی به دور ماه می‌چرخند. کودکان همه لکه‌ها را در کتابچه‌های مشق نقاشی کردند (احمدی، ۱۳۸۸/الف: ۱۱ و ۱۲).

این توصیف با جملات تکراری درباره تمام ماههای سال ادامه می‌یابد. در این گردش سالانه، ماه و آسمان دچار تغییرات گوناگونی می‌شوند. کودکان نسبت به این تغییرات ابراز نگرانی و اندوه می‌کنند.

در ماه خرداد در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود و ماه بزرگ بود و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند و دیدند ماه تاریک است و لکه‌هایی در سیاهی ماه گم هستند. آن شب کسوف بود. کودکان سیاهی ماه را در کتابچه‌های مشق نقاشی کردند و فردا صبح به هم نشان دادند. کودکان از سیاهی ماه و لکه‌هایی که به دور ماه نبود، غمگین شدند (همان: ۱۴).

اندوه و نامیدی کودکان از سیاهی ماه بر اثر کسوف و لکه‌های دور ماه، سرانجام در ماه فروردین سال بعد از بین می‌رود و ماه در آسمان چهره و جلوه دلخواه کودکان را به خود می‌گیرد. باران شروع به باریدن می‌کند. گلهای لادن، مریم، اطلسی، شقایق و نیلوفر می‌رویند. گویی امید و سرزندگی در فروردین ماه پس از گذشت ماهها به وجود آمده است. در واقع لکه‌های قرمز، بنفش؛ زرد، آبی و ارغوانی که به دور ماه می‌چرخیدند به گلهای شقایق، بنفسه، لادن و نیلوفر تبدیل شدند. نویسنده در یک چرخش زیست محیطی، عناصر و پدیده‌های طبیعت را به کودک نشان می‌دهد.

بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمد رضا احمدی و مگان مک دونالد

موضوعی که او بر می‌گزیند، بسیار زیبا و نشانده‌نده شور و شیدایی شاعرانه (آفرینش) اوست.

احمدی با بهره‌گیری از عناصر ماه، ستاره، ابرها، فصول سال و زمین، چرخه ذهنی‌ای شکل می‌دهد و نهایتاً تغییرات آنها و چگونگی شکل‌گیری ابرها، رنگین کمان، باران و چرخه زمانی رویش گلهای را با استفاده از عناصر بصری، رنگ و شکل در قالب داستان نشان می‌دهد (پارسایی، ۳۸۹: ۲۵).

احمدی شناخت ماهیت پدیده‌ها را موضوع داستان خود قرار می‌دهد تا مخاطب کودک، درک زیبا و آسانتری از جهان و دنیای پیرامون بیابد. نویسنده تفاوت نگرش کودک را نسبت به بزرگسالان با تخیلی کودکانه بیان می‌کند. این نگرش متفاوت (شناخت کودکانه) که حاصل تخیل کودکانه است در داستان «پروانه روی بالش من خواب رفته» بخوبی دیده می‌شود.

در بالکن خانه یک شمعدانی داشتم که گلهای سرخ داشت با ذره‌بین گلدان شمعدانی را نگاه کردم. گلدان شمعدانی بزرگ شد. یک دشت پر از گلهای شمعدانی قرمز شد. مردی از اسب سفید پیاده شد. گلهای شمعدانی را چید... گاهی هواییما از روی دشت شمعدانی پرواز می‌کرد و مرد با اسب سفید از دشت شمعدانی گذشت. ذره‌بین را شستم. روی گل شمعدانی در بالکن پروانه‌ای پرواز می‌کرد و گلدان زیر باران بود. (احمدی، ۱۳۹۲: ۹).

۱۴۳



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۵، بهار ۱۳۹۷

در داستان «پروانه روی بالش من به خواب رفته» مادر را وی با دادن ذره‌بین به او، کودک را به بهتر دیدن، پرورش تخیل و نگرش متفاوت به هستی فرا می‌خواند. نویسنده از کودک مخاطب می‌خواهد با دید و نگرشی تازه به پیرامون نگاه کند؛ نگاهی تخیلی و متفاوت از نگرش بزرگسالان.

اسباب بازی بزرگ شد؛ یک ماشین آتش نشانی شد؛ حرکت کرد؛ با سرعت به سوی مهمنان خانه‌ای رفت که در آتش می‌سوخت. مأموران آتش نشانی از ماشین پیاده شدند. نرdbانها را به دیوار همسایه‌ها تکیه دادند و رفتند آتش را خاموش کردند... (همان: ۱۲).

سرانجام با شسته شدن ذره‌بین، عناصر صحنه با تغییرات اندکی به حالت پیشین بر می‌گردند.

۲-۲ کنجکاوی و پرسشگری راهی برای درک بهتر جهان پیرامون

پرسشگری و کنجکاوی کودک و توجه بزرگسالان به این کنجکاوی در جهت شناخت بهتر و بیشتر جهان پیرامون یکی دیگر از درونمایه داستانهای احمدی است. گاهی شناخت هستی و پدیده‌های آن در داستانهای احمدی رنگ فلسفی به خود می‌گیرد تا علاوه بر برانگیختن حس کنجکاوی کودک، شناخت او را عمیقتر کند. در داستان «سفر»، احمدی از زبان کودک درباره پدیده‌های هستی سؤال می‌پرسد. پرسشها باره هستی و وجود پدیده‌ها.

پسر از پدر پرسید: آیا نام شکوفه فقط شکوفه است. دیشب که باد شکوفه را ویران کرد، آیا کلمه شکوفه در جهان مرد؟ صبح روز اول بهار پدر به پسرک گفت: بهار آمده است. درختان شکوفه دارند. کلمه شکوفه دوباره متولد شد» (احمدی، ۱۳۹۲، الف: ۱۵-۷).

این سؤالات درباره همه پدیده‌های طبیعت در ذهن کودک شکل می‌گیرد؛ پدیده‌ایی چون سفر، گندم، باران و... «پسرک گفت: نام سفر چی؟ ما فردا به سفر می‌رویم. کلمه سفر دوباره زنده می‌شود» (همان: ۲۱). کودک بر اساس کنجکاوی کودکانه خود سؤال می‌کند و این پرسشگری گاهی آنقدر ادامه می‌یابد که بزرگسالان از جواب دادن به آنها طفره می‌روند. کودک مخاطب در این داستان می‌آموزد که وقتی گندم یا شکوفه دگرگون می‌شود، به طور کامل از بین نمی‌رود و در زمانی دیگر دوباره متولد می‌شود. نویسنده در این داستان به مربیان و بزرگسالان یادآوری می‌کند که به پرسشها و کنجکاوی کودکان پاسخ مناسبی بدھند تا شناخت آنها از جهان پیرامون کاملتر شود و داستان مناسبترین وسیله برای پاسخگویی به کنجکاوی کودکانه است. «با نوشتن داستانهای فلسفی می‌توان رفتاوهای مختلف کودکان را نشان داد و در برابر این رفتاوهای ذهن کودکان را به پرسش و تفکر برای یافتن پاسخ وادر کرد» (رشتچی، ۱۳۸۹: ۲۷).

۲-۳ اندوه و افسردگی بر اثر تنها بی و دوری از پدر

تنها بی، انتظار و دلتگی یکی از مضمونهای داستانهای احمدی است. داستان «نوشتم باران، باران بارید» روایت انتظار طولانی یک کودک در غیاب پدر به سفر رفته‌اش است. وقتی پدر به سفر رفت، بهار بود. کودک در غیاب پدر به سراغ اسباب بازیها، تنها

بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمد رضا احمدی و مگان مک دونالد

سرگرمی‌اش یعنی جعبه مداد رنگی، مدادپاک‌کن و یک قفس و گنجشک می‌رود. داستان از غیبت پدر آغاز می‌شود. راوی داستان برای جبران دوری پدر، شروع به نقاشی روی دیوار همسایه می‌کند.

صبح بعد از خانه بیرون آمد. روی دیوار همسایه با مداد آبی یک دریا نقاشی کرد. مداد آبی تمام شد. اگر می‌دانستم برای نقاشی کردن دریا باید این همه رنگ آبی داشت یک دریاچه می‌کشیدم. چه خوب شد که آسمان آبی را نکشیدم. روی دیوار با مداد یک کشتی کشیدم... (احمدی، ۱۳۸۴/الف: ۴).

راوی برای خروج از تنها‌ی خود و گنجشکی که مشخص نیست به دنیای آرزوها تعلق دارد یا دنیای واقعی، شروع به کشیدن نقاشی می‌کند. استفاده از رنگ آبی و تأثیر روان‌شناختی آن (سکون، سردی و تنها‌ی) نیز با درونمایه همخوانی دارد. شخصیت داستان دوری از پدرش را به اشیا و مسائل پیرامون، فرافکنی، و به نوعی همه را در این انتظار طولانی سهیم می‌کند.

باد وزید و برگهای درختهای سبز را ریخت. درخت زرد زیر برگهای سبز گم شد. گنجشکها هم زیر برگهای سبز گم شدند. همسایه از صدای باد به کوچه آمد. باد آنقدر تند بود که کلاه همسایه را با خود برد. همسایه در کوچه به دنبال کلاهش دوید. اما کلاه رفته بود.... همسایه غمگین برگشت... (همان: ۲۰).

۱۴۵



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۹۵، بهار ۱۳۹۷

در پایان، پدر بر می‌گردد و او را از این انتظار و دلتگی خارج می‌کند؛ اما خوشحالی یا دگرگونی‌ای در حالت و چهره پسرک دیده نمی‌شود، گویی او ساله‌است با این انتظار و دوری انس گرفته است و حال با بازگشت پدر تغییر در حال او احساس نمی‌شود. گویی این تنها‌ی و انتظار در وجود و روح کودک داستان تأثیر منفی و پایداری گذاشته است.

در داستان «در باران از سفر آمد» نیز نویسنده تنها‌ی و دوری پدر را نشان می‌دهد. پسرک داستان هر روز صبح از پنجره خانه، که رو به کوچه باز می‌شد، حوادث و اتفاقات روزانه را برای مادرش گزارش می‌داد. مادر فقط سکوت می‌کرد.

صبح روز اول پسرک پنجره را رو به کوچه باز کرد و گفت: مادر بیا نگاه کن دریا با کشتیها پشت پنجره ما آمده است. نقاشان از کشتی پیاده شده‌اند. دارند دیوارها و در خانه‌ها را رنگ آبی می‌زنند. مادر سکوت کرد.... صبح روز دوم پسرک پنجره را رو به کوچه باز کرد و گفت: مادر بیا نگاه کن از دیشب تا صبح پشت پنجره ما هزاران

درخت گیلاس روییده است که پر از شکوفه‌های صورتی رنگ است. شاعران در زیر درختان گیلاس شعر می‌خوانند. مادر سکوت کرد و پسرک را نگاه کرد.. (احمدی، ۱۳۹۲/ب: ۹-۷).

راوی تا روز هشتم، حوادث و اتفاقات کوچه را به مادرش گزارش می‌کند. مادر نیز سکوت می‌کند. روز هشتم با بقیه روزها فرق دارد. «صبح روز هشتم پسرک پنجره را رو به کوچه باز کرد و گفت: در کوچه باران می‌آید. یک نفر که چتر سیاه بر سر دارد به طرف خانه ما می‌آید. مادر گفت: پدرت در باران از سفر آمد» (همان: ۲۱). بر خلاف بقیه روزها، که گویی در خواب و خیال کودک می‌گذشت روز هشتم در عالم واقعیت روی می‌دهد. مادر بدون درنگ در جواب پرسش می‌گوید پدر از سفر آمد. استفاده از رنگهای مختلف آبی، قرمز، زرد، سبز، ارغوانی و سفید مناسب با روزهای هفته، قابل تأمل است. گویی نه یک هفته که ماهها است پدر در سفر است. رنگها و تغییر محیط مناسب با رنگ مورد نظر، گویای این مسئله است. در روز هشتم شخصی با چتر سیاه رنگ زیر باران می‌آید. داستان به شیوه خلاقانه و زیبا روایت شده است؛ اما درباره اینکه کودک چه اندازه می‌تواند با داستانی که گویی دو عالم خیال و واقعیت را به هم پیوند زده است، ارتباط برقرار کند، تردید وجود دارد.

ذهنیت احمدی مقید نیست؛ افسار گسیخته است؛ به جریان سیال خواب شباهت دارد که در قید هیچ چارچوبی قرار نمی‌گیرد؛ شکل‌پذیر نیست؛ اشکال را در خود به تخریب می‌رساند؛ عالم رؤیا از جهان اشکال می‌گریزد تا آزادی را در بی‌قیدی ناب ذهن به تجربه درآورد (نعمی، ۱۳۸۴/ب: ۶۸).

در نهایت انتظار و دوری از پدر پایان می‌پذیرد؛ اما پسرک نسبت به آمدن پدر واکنشی نشان نمی‌دهد و حتی احساس خوشحالی در او مشاهده نمی‌شود. تنهایی و گم شدن، ویژگی بارز داستانهای احمدی است. این ویژگی در داستان «روزی که مه بی پایان بود» بیشتر خود را نشان می‌دهد.

پسرک هیچ وقت به انتهای کوچه نرفته بود. انتهای کوچه را نمی‌دانست. کوچه و خانه‌ها در مه گم بودند سکوت و مه بود و کوچه بود. پسرک باز تنها بود. آن روز صبح که پسرک پنجره را گشود دریا را در انتهای کوچه دید. کنار دریا یک درخت گیلاس بود... (احمدی، ۱۳۸۴/ب: ۱۸).

نویسنده در پایان به کمک گلوله نخ قرمز رنگ، کودک را از مه و گمشدگی و تنها بیرون می‌آورد. «پسرک نی لبک را بر لب نهاد و آرام آرام نواخت. دیگر با آواز سه تار می‌نواخت. سه تار و نی لبک با هم می‌نواختند، مه کم می‌شد و کم می‌شد. مه تمام شد» (همان: ۱۹). پایان مه، پایان تنها بی است. پیرمرد کنار پسرک می‌نشیند: «کنار پیرمرد یک گلوله نخ قرمز بود. پیرمرد به پسرک لبخند زد. کنار قایق یک درخت گیلاس بود. پیرمرد و قایق و درخت گیلاس در برف بودند» (همان). پس برای رهایی از تنها بی باید از نشانه‌ها و کمک دیگران بهره گرفت. کودک در فضای مهآلود داستان سردرگم می‌ماند و نمی‌تواند فهم چندانی از درونمایه داشته باشد.

۴-۲ غنیمت شمردن فرصت‌های زندگی (تجربه‌اندوزی)

احمدی در داستان «عمر هفت چوب کبریت» به مخاطب کودک توصیه می‌کند که قدر لحظات و فرصت‌های زندگی خود را بداند؛ چرا که فرصت‌ها یکی پس از دیگری در حال گذر است. نویسنده درونمایه را به صورت مستقیم بیان می‌کند. «کبریت ششم را روشن کردم عمر کبریت کوتاه بود فقط یک لحظه بود. در آن فرصت کوتاه و در روشنایی کبریت ششم درختهای انار را پیدا کردم» (احمدی، ۱۳۹۲، ث: ۷). لحظه حساس زمانی است که کبریت هفتم هم خاموش می‌شود و دیگر کبریتی نیست که کودک انارها را بچیند. ◆
«کبریت هفتم را روشن کردم. عمر کبریت کوتاه بود. فقط یک لحظه بود در باغ باد می‌آمد... در روشنایی کبریت هفتم سبدهای خالی را کنار استخر گذاشت؛ اما من دیگر کبریت نداشتم که انارها را بچینم...» (همان: ۸).

این فرصت‌های کوتاه، ظرفیت‌های محدودی در اختیار انسان قرار می‌دهد که باید از آنها بخوبی استفاده کرد؛ اما در نگاهی نمادین باید بدانیم که در این مدت کوتاه زندگی، امکان دستیابی به همه خواسته‌ها و آرزوها امکان‌پذیر نیست. هیجان و تعلیق داستان چندان نیست و کودک را به خود جلب نمی‌کند.

داستانهای احمدی سهل و ممتنع است؛ از این رو می‌تواند طیف گسترده‌ای از مخاطبان سینین گوناگون را در بر بگیرد. وجود فضاسازیها، تناسبهای ابهام در شخصیت‌پردازی، ساختار روایت و تکرار ترجیعه‌وار برخی عناصر، گاهی فهم داستان را برای کودک دشوار می‌سازد (حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳)

جدول شماره ۱. درونمایه داستانهای احمدی

نام داستان	موضوع	درونمایه	رایج‌ترین عناوون	تلخیب درونمایه با کروه‌ستی کودک	گروه سنی	پایان باز با پسته
در باران از سفر آمد	مسافرت و دوری پدر از طرزند	دوری و انتظار باعث افسردگی و تنهایی می‌شود	متوسط	ب	ب و ج	پسته
عمر هفت چوب کبریت	وقت‌شناسی، تجربه اندوزی	قدر فرصتها و لحظات زندگی را بهتر بدانم	قوی	قوی	ب	پسته
عروس و خامد در باران	مواسم ازدواج	ازدواج باعث افزایش همدلی و محبت می‌شود	قوی	متوسط	ب و ج	پسته
پروانه روی بالش من	نگوش کودک به اشیا با ذره‌بین	بزرگنمایی پدیده‌ها میزان شاخت کودک را افزایش می‌دهد	ضعیف	متوسط	ب و ج	پسته
شب مهتابی کد...	نگوش تخیلی به کودک به پدیده‌ها	نگوش تخیلی به پدیده‌ها، شاخت کودک را افزایش می‌دهد	متوسط	متوسط	ب	بار
باران دیگر نمی‌بارید	بارش برآینهای رنگی	باران بیرنگی باعث رفع تفالوت و باعث سرزنشگی می‌شود	متوسط	متوسط	ب و ج	پسته
سفر	پرشگری و کنجکاوی کودک	کنجکاوی و پرشگری راهی برای درک بهتر جهان پیرامون	متسط	قوی	ب و ج	پسته
مرا چشو ای صدا...	از روهای کودکانه نیست	دستیابی به ازوها دشوار	متسط	متسط	ب	پسته
در بهار پرنده را می‌بینم	تنهایی	تنهایی و دوری از پدر اثرا بدی در زندگی کودک دارد.	ضعیف	متسط	ب و ج	پسته
نوشتم باران باران بارید	دوری از پدر	تنهایی و دوری از پدر اثرا بدی در زندگی کودک دارد	ضعیف	متسط	ب و ج	پسته
روزی که مه بی پایان بود	گم‌شدنی، مه و سرگردانی	استله، از شلشه‌ها و کمک دیگران پلیث رهایی از سرگردانی می‌شود	متسط	متسط	ب و ج	پسته
اسپ و سبب و بهار	با هم بودن اسب و سبب	با هم بودن همدلی و دوستی را زیاد می‌کند	ضعیف	متسط	ب و ج	پسته

۳. شیوه ارائه درونمایه

درونمایه داستانهای احمدی اغلب پنهان و غیرمستقیم است. مخاطب کودک برای دریافت مضمون داستان نیاز به تأمل و دوبارخوانی متن نیاز دارد. «ذهنیت احمدی از جنس تخیل نیست. تخیل، جایگاهی فراسوی واقعیت دارد که به فهم در می‌آید. تخیل ذهن را جایی مستقر می‌سازد؛ اما حرکت در آثار احمدی ضداستقرار است» (نعمی، ۱۳۸۴، ب: ۶۷). این حالت در داستان فانتزی «عروس و داماد» به بیشترین حد خود در میان آثار احمدی رسیده است.

رختخواب انبوه از دانه‌های سرخ انار بود/ داماد می‌دانست که در خانه همسایه یک نردبان است که به آسمان می‌رود/ ماهی هم از حوض خسته شده بود/ نمی‌دانست در سفیدی خانه از تشنگی می‌میرد / به کنار جاده شیری رسیدیم/ بر جاده شیر روان بود/ عروس و داماد در باگچه روئیده بود (احمدی، ۱۳۹۲، پ: ۸).

آثار احمدی، که به نام داستان عرضه می‌شود؛ مصداق عینی نوعی شعر مدرن در ادبیات کودک است که کودکان براحتی نمی‌توانند با آنها ارتباط برقرار کنند. او در داستان «در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود» بی‌اینکه مفاهیم شاعرانه و انتزاعی را ساده کند، می‌کوشد مفاهیم مجرد و انتزاعی را که برای بزرگسالان هم دشوار به نظر می‌رسد، حفظ، و در قالب نثری آهنگین و متراکم با تکرار سطرهای مشخص عرضه کند.

◆
۱۴۹
فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۹، بهار ۱۳۹۷
در ماه فروردین در یک شب مهتابی، که شب چهاردهم ماه بود، ماه بزرگ بود و گرد بود، کودکان به آسمان خیره شدند و دیدند که لکه‌هایی به دور ماه می‌چرخند. کودکان همه آن لکه‌ها را در کتابچه‌های مشق نقاشی کردند. صبح فردا کودکان نقاشی شان را به همدیگر نشان دادند (احمدی، ۱۳۸۸، الف: ۶-۸).

موضوعی که احمدی انتخاب می‌کند، زیبا و شاعرانه است و استفاده از عناصر طبیعت این زیبایی را دو چندان کرده است. مخاطب برای دریافت درونمایه به تأمل بیشتری نیاز دارد که این مسئله می‌تواند قوه تفکر کودک را افزایش دهد؛ اما نوع تصویرسازی احمدی، جنس تخیل و نمادهایی (عدد هفت، باران، سفر و..) که در داستان به کار می‌برد، لذت داستانها را کاهش می‌دهد. چون نگاه و زاویه دید احمدی اغلب بزرگسالانه است. در برخی از داستانها درونمایه به شیوه مستقیم ارائه شده است.

در داستان «عروس و داماد در باران» احمدی به شیوه مستقیم، مخاطب کودک را با مفاهیم و آداب زندگی زناشویی آشنا می‌کند.

عروس و داماد در زیر باران با دو چتر سفید برای خرید آینه و شمعدان می‌رفتند.

عروس و داماد در زیر باران با دو چتر سفید برای خرید لباس عروس می‌رفتند.

عروس و داماد در زیر باران با دو چتر سفید برای خرید فرش سفید می‌رفتند.

عروس و داماد در زیر باران با دو چتر سفید برای خرید مبل و صندلی می‌رفتند...

(احمدی، ۱۳۹۲، ت: ۳).

داستان با تکرار جملات یکسان درباره خرید لوازم زندگی و رفتن عروس و داماد به خانه خود به پایان می‌رسد. در این داستان علاوه بر سفیدبختی و خوشبختی عروس و داماد، همدل و همانند شدن و اشتراک روش و منش را در ازدواج بیان می‌کند که این امر برای مخاطب بزرگسال قابل تأملتر است تا مخاطب کودک؛ اما کودک نیز با مراسم ازدواج و آداب و رسوم آن آشنا می‌شود. در واقع این مفاهیم اغلب بین دنیای کودک و بزرگسال مشترک است.

جدول شماره ۲. شیوه ارائه درونمایه در داستانهای احمدی

نام داستان	درونمایه	درونمایه آشکار	درونمایه پنهان	درونمایه مبهم	درونمایه در آغاز	درونمایه در میانه	درونمایه در پایان	ارائه در پایان
درباران از سفر آمد	دوری و انتظار باعث افسردگی و تنهایی می‌شود	*	*					*
عمر هفت چوب کبریت بیشتر بدانیم	قدر فرستها و لحظات زندگی را	*						*
عروس و داماد در باران	ازدواج باعص افزایش هدلی و محبت می‌شود	*					*	*
پروانه روی بالش من	بزرگنمایی پدیده ها میزان شناخت کودک را افزایش می دهد	*						*
شب مهتابی که ...	نگرش تخیلی به پدیده ها، شناخت کودک را افزایش می دهد.	*					*	*

بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمد رضا احمدی و مگان مک دونالد

*				*		باران بیرنگی باعث رفع تفاوت و باعث سرزندگی می شود.	باران دیگر نمی بارید
*				*		کنجکاوی و پرشتگری راهی برای در ک بهتر جهان پیرامون	سفر
*				*		دستیابی به آرزوها دشوار نیست	مرا چشم آبی صدا ...
*				*		همدلی باعث رفع تنها بی می شود	در بهار پرنده را صدا زدیم
*				*		تنها بی و دوری از پدر آثار بدی در زندگی کودک دارد.	نوشتم باران باران بارید
	*			*		بازگشت پدر باعث رفع دلتنگی و انتظار می شود.	اسب و سیب و بهار
*				*		استفاده از نشانه ها و کمک دیگران باعث رهایی از سرگردانی می شود	روزی که مه بی پایان بود

۴. تناسب درونمایه با ویژگی مخاطب (کودک)

یکی از مسائل مهم و قابل توجه برای ورود به حوزه ادبیات کودک، توجه به ویژگیهای روحی و روانی، توانایی درک و دریافت، نیازها و دنیای کودک است. نویسنده ادبیات کودک باید مخاطب خود را از نظر علمی (روانشناسی) خوب بشناسد؛ موضوعی که اغلب نویسنده کان کودک از آن غافلند. شناخت ویژگی روانی، اجتماعی و عاطفی کودک، به نویسنده کمک می کند اثری متناسب با نیازهای مخاطب خویش خلق کند. داستانهای احمدی اغلب برای گروه سنی ب (سالهای آغاز دبستان) و ج (کودکان ۹ تا ۱۲ سال) نوشته شده است. بر اساس یافته های روانشناسی، کودک ۹ تا ۱۲ سال در نوعی فشار روحی و روانی به سر می برد و ممکن است با آموزگار یا پدر و مادر خود برخورد پیدا کند و همچنین آنها در پی استقلال و فاصله گرفتن از بزرگسالان هستند؛ کنجکاو و پویا هستند و می خواهند راه حل مسائل را بیابند. این استقلال در تفکر و

سخن گفتن آنها مشخص می‌شود؛ طوری که از بزرگترها کمتر پیروی می‌کند. کودک با مفاهیم تجربی آشنا، و به درک بعضی از مفاهیم توانا می‌شود. آینده‌نگری و تفکر انتقادی نیز در او مشاهده می‌شود (ر.ک حافظی، ۱۳۸۰: ۱۳).

درواقع داستانهای احمدی بیشتر درباره کودکان است تا برای کودک. او تا حدودی برای مخاطب همه چیز را از زاویه ذهن خویش و با تخلیقی فراتر از ذهن کودک ارائه می‌کند. چیزهایی که کودک باید بداند با تعلیق و هیجانی کم از سوی نویسنده روایت می‌شود؛ برای مثال در داستان «سفر» احمدی با توجه به طرح پرسشهای گوناگون از سوی کودک به دنبال تبیین هستی و چیستی پدیده‌ها و انتقال این مفهوم به کودک است.

پسرک از پدر پرسید: آیا نام باران فقط باران است؟ مدت‌ها است که باران نیامده است. آیا کلمه باران در جهان مرده است؟ صبح روز اول زمستان پدر به پسرک گفت: باران می‌بارد. درختان شکوفه دارند کلمه باران دوباره متولد می‌شود. پسرک از پدر پرسید: آیا نام گندم فقط گندم است؟ اگر گندم سبز نشود، آیا کلمه گندم در جهان از بین می‌رود؟» (احمدی، ۱۳۹۲/الف: ۷-۱۵).

احمدی موضوع مهم و قابل توجهی را برای داستان انتخاب می‌کند؛ موضوعی فلسفی و پرسش برانگیز. شناخت هستی و چیستی پدیده‌ها و جهان همواره برای کودک سؤال برانگیز بوده است و بزرگسالان برای تبیین موضوع و تفہیم کودک در این مسأله چندان موفق نبوده‌اند. گفت‌وگوی بین پدر و پسر برای ارضای حس کنجکاوی مخاطب کودک است. داستان بدون هیچ هیجان یا کنشی خاص به صورت گزارش از سوی نویسنده بیان می‌شود. البته ایجاد فرصت و فراهم کردن زمینه بیان پرسش کودکانه و نقش این پرسش در تربیت و ارتقای ذهن و زبان کودک قابل تحسین است.

در داستان «در باران از سفر آمد» اگرچه احمدی با حذف فاعل جمله (پدر) میزان کنجکاوی و حس تعلیق را افزایش می‌دهد، کودک در داستان، نقش زیادی ندارد. او در انتظار آمدن پدر، روزهای هفته را یکی پس از دیگری طی، و حوادث هر روز را برای مادرش گزارش، و مادر هم سکوت می‌کند تا اینکه روز جمعه در باران، شخصی با چتری به سوی خانه می‌آید. مادر سکوت خود را می‌شکند و می‌گوید پدرت در باران از سفر آمد.

صبح روز چهارم پسرک پنجه را رو به کوچه باز کرد و گفت: مادر بیا نگاه کن، یک مزرعه گندم پشت پنجه ما روییده است. نوازندگان در مزرعه گندم، ساز می‌نوازنند.

دیشب یک بادکنک زرد رنگ را در باد رها کردم. مادر سکوت کرد و پسرک را نگاه کرد.... صبح روز پنجم، پسرک پنجه را رو به کوچه باز کرد و گفت: مادر بیا نگاه کن. هزاران طاوس در کوچه، بالهای خود را باز کرده‌اند و هزاران طوطی سبز مرا صدا می‌زنند. مادر سکوت کرد (احمدی، ۱۳۹۲، ب: ۲۰ و ۷).

دوری از پدر یا مادر یا انتظار آمدن آنها همیشه برای بچه‌ها دشوار بوده است و واکنش خاصی نسبت به آن نشان می‌دهند؛ اما در این داستان، انتظار آمدن پدر برای کودک چندان مورد توجه نیست. هیجان، تنفس و نگرانی و یا حتی شوق دیدار پدر در داستان دیده نمی‌شود. درونمایه داستان با روحیه و ویژگی کودک متناسب نیست. کودک، دنیایی سراسر شور و نشاط و هیجان دارد. کودک در این داستان هیچ حسی نسبت به آمدن پدر ندارد و در طول هفت روز هفته، این حس انتظار و دلواپسی کودکانه دیده نمی‌شود. احمد رضا احمدی بر پردازش شخصیتها برای برقراری ارتباط با مخاطب خود تأکیدی نمی‌کند. او از دریچه ذهن خود به طبیعت و عناصر پیرامونش می‌نگرد و برای کودک تصویرسازی می‌کند؛ تصویری که گاهی برای کودک چندان قابل فهم نیست. در داستان «کبوتر سفید و آینه»، احمدی قصد دارد سیر و سفر سلوک مانندی را شکل دهد و دختری را از فضای بسته خانه بیرون ببرد و با شوق جستجو در هستی دوباره به خانه برگرداند. در این سفر هستی شناسانه، پرنده‌ای مانند کبوتر انگیزه‌ای می‌شود برای حضور دختر در این سفر و شناخت هستی.

۱۵۳



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۹۵، بهار ۱۳۹۷

دخترک چشم به آسمان داشت. می‌رفت. می‌رفت که به دریا رسید. کبوتر سفید روی یک قایق نشسته بود. دخترک سوار قایق دیگری شد و پارو زنان به سوی کبوتر رفت. کبوتر از صدای پاروهای قایق دخترک پرواز کرد و در آسمان گم شد. دخترک در کف قایق یک پرآبی پیدا کرد که از رنگ آبی دریا آبی شده بود. دخترک پری سفید و پری آبی در دست داشت اما کبوتر سفید را می‌خواست (احمدی، ۱۳۸۸، ب: ۸).

دختر در هر مرحله یکی از پرهای کبوتر را که به رنگ معینی درآمده است به دست می‌آورد. تعداد پرها هفت تا است. رنگ پرها و پیدا کردن آنها در هر مرحله قابل تأثیر است. یادآور هفت وادی عرفان است و کشف و شهودی عارفانه. «هر کدام از پرهای کبوتر نشان و تمثیل یک وادی عرفان و نشانگر حصول و غایت عرفانی است. کبوتر سفید هم تمثیلی از پاکی و معصومیت روح خود دختر است» (پارسایی، ۱۳۸۹: ۲۷). کودک نه تنها برای دریافت درونمایه دچار مشکل می‌شود، بلکه به

تأمل و تلاش زیادی برای تأویل و تفسیر نمادها نیاز دارد؛ نمادهایی که برساخته ذهن و تخیل بزرگسال است تا کودک.

۵. بررسی درونمایه داستانهای مک دونالد

درونمایه داستانهای دونالد درباره زندگی و دنیای کودکان است؛ دنیایی که در آن از نفوذ و دخالت بزرگترها خبری نیست. دونالد در مجموعه چند جلدی «جودی دمدمی»، لحظات شاد و هیجان‌انگیزی را برای کودکان رقم می‌زند. او توanstه است گسترده‌گی دنیای کودک را زمانی که در معرض عوامل و فشارهای جدید بیرون از خانه است، بخوبی نشان دهد. موضوع داستانهای دونالد بیشتر درباره زندگی کودک و تقابل او با بزرگسالان و دنیای آنها است.

جدول شماره ۳. درونمایه داستانهای دونالد

ردیف	عنوان	تاریخ	مکان	گروه	متوجه	دستور	دستور	دستور
۱	جودی دکتر می‌شود	پیشنهاد	علاءالله کودک به پیشنهاد	علاءالله کودک به پیشنهاد	قوی	متوجه	باز	باز
۲	جودی و تابستان پرماجرا	توضیح	زمینهای پرای پاییزی	ماجرای جویی در شکوفایی	قوی	متوجه	باز	باز
۳	جودی کفر اگاه می‌شود	متولیت پدری	مستولیت کودک تأثیر زیادی	کنجدلی کودک پایدزه	قوی	متوجه	باز	باز
۴	جودی تجسس معنی تشكیل می‌دهد	تجسس	مزبور فرست هنایت کود	تجسس کرده زمین وظیقه	قوی	متوجه	باز	باز
۵	جودی دنبی را تعجب می‌دهد	کربلا زمین	تجسس کرده زمین وظیقه	تجسس کرده زمین	قوی	متوجه	باز	باز
۶	جودی بد کالج می‌رود	کالج رفت جودی	تجسس بد مقوله	آموزش و تغییر تکرش هر کودک	قوی	متوجه	باز	باز
۷	جودی مشهور می‌شود	الهرمل پروری	الهرمل پروری کودک را غر	الهرمل پروری کودک را غر	قوی	متوجه	باز	باز
۸	جودی آینده را پیشگویی می‌کند	پیشگویی	پیشگویی آینده‌گری	کودک را افزایش می‌دهد	قوی	متوجه	باز	باز
۹	دور دنیا در هشت روز	سرگرمی و جهانگردی	تفریح و جهانگردی تحریره و	شناخت کودک را زیاد	قوی	متوجه	باز	باز
۱۰	در جستجوی گنج	نلاش و پشتکار	نلاش و پشتکار مقدمه	بهرقی ایست	قوی	متوجه	باز	باز

۱-۵ نوع و بسامد درونمایه‌ها

درونمایه داستانهای دونالد درباره مسائلی چون تقویت حس ماجراجویی در کودک، افزایش قدرت کنجکاوی، خطرپذیری، اهمیت حفظ محیط زیست و نجات کره زمین و ترغیب کودک به ساختن آینده، افزایش قدرت خودباوری و اعتماد به نفس در کودک است. مجموعه «جودی دمدمی» جزء رمانهای سریالی است.

رمانهای سریالی که در آنها شخصیت معینی هر بار در موقعیتهای گوناگون و در رابطه با حوادث تازه‌ای ظاهر می‌شوند و می‌تواند برای کودکان بسیار جذاب و گیرا باشد. کودک، همواره شخصیتهای کارتونی، فانتزیک و شناخته‌شده داستانی را دنبال می‌کند و کنجکاو است که بداند شخصیت مورد علاقه‌اش در کتاب بعدی چگونه ظاهر می‌شود و چطوری او را می‌خنداند و یا به هیجان می‌آورد و سرگرمش می‌کند (میرغیاثی، ۱۳۸۷: ۳۵).

این ویژگیها در مجموعه جودی دیده می‌شود.

۱-۱-۵ توجه به نقش مهم آموزش و پرورش کودک

مفهوم آموزش، تعلیم و تربیت در داستانهای دونالد ویژگیهای خاص و منحصر به فردی دارد که با نظام آموزشی در کشورهای دیگر (ایران) کمی متفاوت است. در مدارس ایران بیشتر وقت بچه‌ها صرف مسئله آموزش و کسب دانش می‌شود که در نوع خود مهم و تأثیرگذار است؛ اما در کنار مسائل آموزشی، نشاط، شادی، لذت و سرگرمی می‌تواند سودمند باشد و مسائل آموزشی را بهتر انتقال دهد.

مدارس، بیشتر انرژی و وقت خود را صرف جنبه آموزشی بچه‌ها می‌کنند. والدین نیز تقریباً همان اندازه وقت و انرژی خود را صرف گسترش دامنه‌شناسنامی و اطلاعاتی فرزندان خود می‌کنند. ادبیات کودک ما هم امروز با آنها تا حدود زیادی همراستا شده و از مقوله لذت و شادی غافل شده است (نعمی، ۱۳۸۴/الف: ۵).

در داستانهای دونالد، علاوه بر مسائل تربیتی و آموزشی به تفریح و سرگرمی نیز توجه شده است. دونالد در مجموعه «جودی دمدمی» تلاش کرده است تا فضای مدرسه‌ای را خلق کند؛ فضایی که کودک در کنار آموزش به تفریح، لذت و سرگرمی پردازد.

آقای تاد گفت: ما امروز درس جدیدی درباره بدن انسان داریم. از فرق سر تا نوک پا. جسیکا گفت: قرار است طناب بزنیم و ضربان قلبمان را اندازه بگیریم. راکی

گفت: و «توبیستر» بازی کنیم تا یک چیزهایی درباره ماهیچه‌هایمان یاد بگیریم. آلیسون هم گفت: و شعری درباره استخوانها بخوانیم... آقای تاد آهنگ شاد و بامزهای را یادشان داد که این طوری شروع می‌شد: اون استخون پا به اون استخون قوزک وصله..» (دونالد، ۱۳۹۲، الف: ۲۶-۲۷).

جودی و دوستانش برای یادگیری اعصابی بدن انسان به بازی و شعرخوانی می‌پردازند. ایجاد فضایی شاد و مهیج برای آموزش، یکی از مسائلی است که نویسنده به آن اشاره، و به صورت غیرمستقیم به والدین و مریبیان نیز آن را توصیه می‌کند.

۴-۱-۵ اهمیت نجات کره زمین برای زندگی

از درونمایه‌های دیگر داستانهای دونالد، اهمیت حفظ محیط زیست و ترغیب کودک به سالم نگهداشتن محیط زندگی است. دونالد در داستان «جودی دنیا را نجات می‌دهد» در قالبی تخیلی می‌کوشد تا اهمیت حفظ محیط زیست را برای کودکان بیان کند. نویسنده به خطر نابودی جنگلهای گونه‌های کمیاب طبیعت، افزایش زباله و ... اشاره می‌کند و به مخاطب آموزش می‌دهد که چگونه می‌تواند به زمین کمک کند و در بهبود وضع زیستی دنیا پیرامون خویش مؤثر باشد.

مامان گفت: این هم ناهارت. جودی گفت: مامان چرا توی پاکت گذاشتید؟ استینک گفت: اشکالش چیه؟ جودی گفت: نمی‌فهمی برای درست کردن پاکت، درختها را قطع می‌کنند. درختها سایه دارند، آنها گرم شدن زمین را کنترل می‌کنند. من امروز با دوچرخه می‌روم مدرسه تا در مصرف سوخت صرفه‌جویی و هوا را کمتر آلوده کنم.. (دونالد، ۱۳۹۲، ب: ۵۶).

جودی حتی در مدرسه از بچه‌ها می‌خواهد تا زیاله‌هایشان را تفکیک کنند و مدادشان را کمتر بتراسند تا درختان کمتری برای درست کردن آن قطع شود. نویسنده حفاظت از کره زمین را وظیفه همه می‌داند. دونالد از طریق شخصیت «جودی» مسئله محیط زیست را مطرح می‌کند و از همه می‌خواهد تا در حفظ آن کوشانند.

۴-۱-۶ آماده کردن کودک برای پذیرش مسئولیتهای بزرگ (آینده‌نگری)

یکی از درونمایه‌هایی که دونالد در داستانهایش مطرح می‌کند، توجه به آینده کودک و آماده کردن او برای پذیرش مسئولیتهای خطیر دوره بزرگ‌سالی است. این زمینه‌سازی در تمام داستانهای دونالد دیده می‌شود. در داستان «جودی دکتر می‌شود» نویسنده از دوران

کودکی و بر اساس کنجکاوی و علاقه کودک به علم پزشکی، زمینه را برای پذیرش امور و مسئولیتهای بزرگ فراهم می‌کند.

والدین، مریبیان و مسئولان نظام تعلیم و تربیت همیشه نسبت به آینده کودک و انتخاب مسیر زندگی او دچار تردید هستند. اغلب والدین بدون در نظر گرفتن علاقه و استعداد کودک، او را وادار می‌کنند تا مسیر و هدف دلخواه آنها را انتخاب کند. در داستانهای دونالد، کودک بدون دخالت دیگران و بر اساس علاقه و انگیزه خود، حرفه یا مسیر زندگیش را انتخاب می‌کند. دونالد در قالب حوادث شاد و هیجان‌انگیز داستان توانسته است گوشه‌ای از توانمندی، علائق و دنیای کودکان را به نمایش بگذارد. «جودی» شخصیت اصلی داستانها، دوست دارد در آینده دکتر شود. او با اشتیاق فراوان خود را دکتر معرفی می‌کند. «روز دکتری، روزی بود که جودی باید مثل اولین زن دکتر، لباس می‌پوشید و یک عمل جراحی واقعی انجام دهد. او لباس دکتریش را پوشید و گوشیش را به گردن انداخت و شروع به جراحی کرد...» (دونالد، ۱۳۹۲/الف: ۹۸). جودی بخوبی می‌تواند با مخاطب کودک ارتباط برقرار کند. شخصیت پردازی قوی و مناسب شخصیت «جودی» باعث شده است مخاطب کودک براحتی با او هم‌زادپنداری کند.

آینده‌نگری جودی در قالب کارهای هیجان‌انگیز، محركی می‌شود که کودک، استعداد و علائق خود را شناسایی و برای آینده و رسیدن به آن برنامه‌ریزی کند. جودی به دنبال کشف داروهای گیاهی و درمان بیماریهای غیرقابل درمان در آینده نزدیک است. «جودی گفت: شاید یک دارویی لای این دندهای سبز بامزه قایم شده باشد. می‌خواهم روی گیاهانی مثل این مطالعه کنم و داروی بیماریهای غیر قابل درمان را کشف کنم» (دونالد، ۱۳۹۲/ب: ۶۴). این اعتماد به نفس و خودباوری باعث می‌شود کودک در آینده به آنچه می‌خواهد آسانتر دست پیدا کند. این مسأله نه تنها در خانه بلکه در مدرسه هم دنبال می‌شود. فضای مدرسه نیز این امکان را به جودی می‌دهد که بتواند استعداد و خودبازیش را نشان دهد.

۶. شیوه ارائه درونمایه

اغلب درونمایه داستانهای دونالد به شیوه غیرمستقیم ارائه شده است. در جدول شماره ۴ شیوه ارائه درونمایه مشخص شده است.

جدول شماره ۴. شیوه ارائه درونمایه داستانهای دونالد

نام داستان	درونمایه	دروغ‌گشایی	دروغ‌گشایی آنکار	دروغ‌گشایی بیان	دروغ‌گشایی تهم	دروغ‌گشایی در آغاز	دروغ‌گشایی در خلاصه	دروغ‌گشایه در مانند	دروغ‌گشایه حیوانات انسان	فهرمن دامستان
کودک - دختر	وجودی دلگز	نمایشگاهی زیستگاهی برای پذیرش مسؤولیت‌هایی	غایله کودک به جویی	*	*	*	*	*	بازگشت	حیوانات انسان
کودک - دختر	وجودی و ناسان برماجوا	کودک تأثیر زیادی بر ازد	ماجرایی در شکوفایی استداد	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان
کودک - دختر	وجودی کز آکاه	امداده می‌کند	ستولیت پذیری کودک را برای آینده	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان
کودک - دختر	وجودی اینجمن	هدایت شود	کشکوکی کودک باید در مسیر درست	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان
کودک - دختر	وجودی دسا را	تجاه می‌دهد	نجات کرده زمین و خلیقه همگانی ازدست	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان
کودک - دختر	وجودی به کالج	پذیری می‌کند	توجه به مقوله اموزش و تغیر نگرش	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان
کودک - دختر	وجودی مسنهور	پذیری می‌کند	فهرمان پروری کودک را در بیان توانایی‌پذیریش	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان
کودک - دختر	وجودی آنده را	دو دور دنیا دار	پیشگویی، آشنائی‌گری کودک را از ایالات می‌کند	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان
کودک - دختر	هنست روز	نیزه را زیاد می‌کند	تفريح و پیداگردی تجربه و شناخت کودک را زیاد می‌کند	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان
کودک - دختر	در جسمجوي	بازگشت	تلاش و پشتکار مشدعاً	*	*	*	*	*	کودک - دختر	حیوانات انسان

۷. تناسب درونمایه با مخاطب کودک

دونالد، شخصیت کودک را بخوبی می‌شناسد و سعی می‌کند دنیای او را در داستانهایش به نمایش بگذارد. مجموعه جودی دلمدی برای گروه سنی «ج» منتشر شده است. در این دوره سنی - براساس نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون - کودک در منزل و در مدرسه، عمدتاً به عنوان وسیله‌ای برای کسب شهرت و کسب لذت حاصل از انجام دادن تکلیف، کار کردن و کارآمد بودن را می‌آموزد. علاوه بر این توانایی‌های تازه کودک در استدلال قیاسی و توانایی بازیهای قاعده‌دار (به جای

بازیهای تصادفی) در خانه و مدرسه، هر دو به رشد و اصلاح مهارت‌هایی منجر می‌شود که در ساختن چیزها آشکار می‌گردد (پارسایی، ۱۳۹۱: ۴).

۱- بازی و سرگرمی معطوف به آموزش

استفاده از بازی و سرگرمی‌های مورد علاقه کودک برای شکل‌دهی موضوع و پردازش درونمایه اهمیت زیادی دارد. «پیازه بازی را تفکر کودک می‌داند و اظهار می‌کند که بازی «فعالیتی است که هدفش در خود آن است» و از «لذت محض» برمی‌خیزد» (خسرو نژاد، ۱۳۸۲: ۲۱۷). لذت و سرگرمی عنصری است که داستانهای دونالد را برای مخاطب جذاب می‌کند (لذت و سرگرمی در کنار آموزش و تعلیم). دونالد در داستان «جودی و تابستان پر ماجرا» تلفیق بازی و سرگرمی و آموزش را بخوبی نشان می‌دهد. جودی برای استفاده مناسب از تعطیلات تابستان به دنبال خلق موقعیتی شاد و هیجان انگیز است. جودی با دوستانش تصمیم می‌گیرد کارهای هیجان انگیز و ترسناک انجام دهد، آنهم در قالب یک مسابقه؛ رقابتی شاد و هیجان انگیز.

جودی گفت: ایمی و راکی عزیز. بیایید یک مسابقه کارهای هیجان انگیز و شجاعانه بگذاریم. اولین نفری که صد امتیاز بگیرد برنده است. انجام دادن کارهای هیجانی و ترسناک... فرانک از خوشحالی بالا و پایین پرید: خب اولین کار شجاعانه چیه؟ ◆ جودی عکس راکی را که روی طناب بندبازی راه می‌رفت جلوی صورت فرانک تکان داد (دونالد، ۱۳۹۲، ۵۸ پ:).

۱۵۹



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۵، بهار ۱۳۹۷

مجموعه داستانهای دونالد سرشار از بازی و سرگرمی و لذت است. «داستانهای جذاب و سرگرم‌کننده بسیاری می‌توان نوشت که در آن، کودکان در کار سروسامان دادن به یاران هم گروهند تا به ابراز و سنجش شایستگیها و تواناییهای خود در مسابقه یا بازی با گروه کودکانی بپردازند که برای بازی یا رقابت‌های تحصیلی آماده شده‌اند» (حافظی، ۱۳۸۰: ۲۶).

۲- تقویت آینده‌نگری در کودک (نسل‌اندیشی)

توجه به آینده، علائق و توانمندی‌های کودک مسئله مهمی است. دونالد در قالب حوادث شاد و هیجان‌انگیز داستان توانست گوشه‌ای از دنیای کودکان را به نمایش بگذارد. کودک داستانهای دونالد برای آینده تصمیم می‌گیرد و از کودکی خود را آماده می‌کند. «روز دکتری، روزی بود که جودی باید مثل اولین زن دکتر، لباس می‌پوشید و یک عمل جراحی واقعی انجام دهد. او لباس دکتریش را پوشید و گوشیش را به گردن انداخت و

شروع به جراحی کرد...» (دونالد، ۱۳۹۲الف: ۹۸). جودی بخوبی می‌تواند با مخاطب کودک ارتباط برقرار کند. شخصیت پردازی قوی و مناسب با ویژگی کودکان باعث می‌شود مخاطب براحتی با او همزاد پنداری کند.

۷-۳ انعکاس دوران کودکی (شیطنت، شادی و...)

شخصیت جودی در یک روز دلگیر دوست ندارد به مدرسه برود و برای همین وانمود می‌کند که مریض است:

جودی گفت: اُریون است. راستی راستی اُریون گرفتم. استینک گفت: اُریون! امکان نداره تو واکسن زدی مگه نه مامان؟ جودی گفت: شاید یکی از ویروسهای اُریون یک جوری وارد بدنم شده. مامان گفت: انگار امروز یک نفردلش نمی‌خواهد مدرسه برود (دونالد، ۱۳۹۰الف: ۲۰).

دونالد خواسته‌ها و دغدغه‌های کودکان، بی‌حوالگی، دمدمی مزاج بودن، انجام دادن کارهای شگفت‌انگیز و باورنکردنی را که در دنیای کودکان اتفاق می‌افتد، نمایش می‌دهد. گاهی کودکان از انجام برخی کارها خودداری، و احساس بی‌حوالگی و تنبی می‌کنند و دوست دارند همیشه در حال بازی و تفریح باشند. جودی نیز دوست ندارد تعطیلات تابستان تمام شود و به مدرسه برود: «جودی دلش نمی‌خواست تعطیلات تابستان تمام شود و هجی کلمات را حفظ کند... مامان با صدای بلند گفت: اولین روز مدرسه! بجنب لباس بپوش. جودی یواشکی جیم شد زیر ملافه‌ها و بالش را روی سرش گذاشت...» (همان: ۱۹). بعضی مواقع کودکان حوصله رفتن به مدرسه یا انجام دادن تکالیف درسی را ندارند. این ویژگی به صورت نسبی در بیشتر کودکان دیده می‌شود.

۴- خودباوری و اعتماد به نفس

جودی کودکی است که توانایی متقادع کردن بزرگترها (پدر و مادر) و حتی ارشاد کردن آنها را دارد.

یک عالمه درخت را قطع می‌کنند تا به جایش قهوه بکارند و لوازم آرایشی و آدامس تولید کنند. کره زمین خانه ماست. باید نجاتش دهیم. مامان از پله با صدای بلند گفت: اگر آرایش نکردن من خوشحالت می‌کند، امروز آرایش نمی‌کنم. بابا گفت: من هم نصف فنجان، قهوه می‌خورم.. (دونالد، ۱۳۹۲ب: ۵۵ و ۵۶).

جودی در محیط آموزشی هم دانش آموزان را به حفظ محیط زیست و نجات کرده زمین ترغیب می‌کند. درواقع این خودباوری و اعتماد به نفس زیاد را در خود می‌بیند که بتواند به کار بزرگی دست بزند. کودک مخاطب نیز براحتی با شخصیت جودی همزاد پنداری می‌کند و این عزت نفس در درون او نهادینه می‌شود. کنجکاوی، دقّت، تفکر و تعقل، پشتکار، کوشش همراه با هیجان و ماجراجویی عناصر تشکیل‌دهنده داستانهای دونالد است. در داستانهای احمدی چنین ویژگیهایی کمتر دیده می‌شود. او مسائل را برای کودکان بیان می‌کند که کودک در حوادث داستان نقشی ندارد؛ اما در داستانهای دونالد، کودک در مرکز حوادث داستان قرار دارد. شخصیت اصلی داستان جودی، یک دختر بچه کلاس سومی است که حوادث داستان حول محور این شخصیت رخ می‌دهد. دیگر شخصیتهای فرعی داستان استینک و برادر جودی، بابا، مامان، آقای تاد، راکی و فرانک هستند. حوادث داستان به گونه‌ای رقم خورده است که شخصیتهای کودک داستان بخوبی شخصیت‌پردازی شده و باورپذیر و قابل درک برای مخاطب کودک است به گونه‌ای که کودک با آن همزاد پنداری می‌کند.

۸ نتیجه‌گیری

۱۶۱

◆ درونمایه داستانهای احمدی و دونالد و نگرش آنها به کودک متفاوت است. کودک در داستانهای احمدی نسبت به آثار دونالد، کمترین نقش را در داستان دارد. داستانهای دونالد درباره زندگی کودک، خواسته‌ها و نیازهای اوست. دونالد کودک و دنیای آنان را بخوبی می‌شناسد. به همین سبب داستانهایش با زندگی کودک تناسب بیشتری دارد. درونمایه داستانهای دونالد درباره مسائلی چون آماده کردن کودک برای پذیرش مسئولیتهای زندگی، نقش مهم ماجراجویی و کنجکاوی در پیشرفت کودک، خطرپذیری کودک برای مقابله با مشکلات زندگی، اهمیت و توجه به آینده کودک، نسل‌اندیشه، افزایش تجربه کودک بر اثر جهانگردی و سفر به دنیا است؛ اما درونمایه داستانهای احمدی، تأثیرات تنها بر زندگی کودک، شناخت بهتر پدیده‌ها بر اثر نگرش تخیلی و کودکانه، قدر فرصت‌های زندگی را بهتر دانستن، همدلی و عشق در ازدواجی ساده و.. است. تنوع درونمایه در داستانهای احمدی نسبت به داستانهای دونالد بیشتر است؛ اما کودک محوری و تناسب داستانها با شخصیت و ویژگی روحی و روانی کودک در داستانهای دونالد چشمگیرتر است. کنجکاوی، دقّت، تفکر و تعقل، پشتکار، کوشش

همراه با هیجان و ماجراجویی، عناصر تشکیل‌دهنده داستانهای دونالد است؛ در حالی که عناصر طبیعت (مهتاب، درخت، پرندۀ، برف، باران، مه و ...) و چیستی و چگونگی آنها بیشترین بسامد را در داستانهای احمدی به خود اختصاص داده است. کودک در داستانهای دونالد این توانایی را دارد که در مقابل بزرگترها بایستد و اشتباه یا خطای آنان را گوشند کند؛ خودبواری و اعتماد به نفس زیادی دارد به طوری که می‌خواهد دنیا را نجات دهد؛ اما در داستانهای احمدی، کودک، تحرک و نقش چندانی در حوادث ندارد. درواقع داستانهای احمدی بیشتر درباره کودکان است تا برای کودک؛ احمدی برای مخاطب همه چیز را از زاویۀ ذهن خویش و با تخیلی فراتر از ذهن کودک ارائه می‌کند. چیزهایی که کودک باید بداند، بدون هیچ تعلیق یا هیجانی از سوی نویسنده روایت می‌شود. بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای دو نویسنده نوع نگرش دو فرهنگ متفاوت به کودک را نشان می‌دهد. دونالد اغلب مسائل درباره کودک و زندگی او مطرح می‌کند و درواقع اگرچه فرهنگی متفاوت با کشور ایران دارد، سعی می‌کند کودکی را نشان دهد که فرا منطقه‌ای باشد؛ یعنی کودکی را به تصویر می‌کشد که در همه جهان می‌توان نمونه‌ای از آن یافت.

شیوه ارائه درونمایه در داستانهای دو نویسنده اغلب غیرمستقیم است. این ویژگی در داستانهای احمدی چشمگیرتر است. چون احمدی در داستانهایش از نمادهای گوناگونی چون آب، عدد هفت، سیب، باد و... استفاده می‌کند. پایان داستانهای احمدی بسته و حالت خشی دارد؛ در حالی که پایان داستانهای دونالد باز و اغلب پایانی خوش و هیجان‌انگیز دارد. شخصیت اصلی داستانهای دونالد برخلاف داستانهای احمدی، اغلب کودک است و در داستان نقش مهمی ایفا می‌کند و به همین دلیل همزاد پنداری با مخاطب کودک قویتر است. نسل‌اندیشی و آینده‌نگری، ایجاد انگیزه در کودک برای تصمیم‌گیری در زندگی، مهمترین ویژگی داستانهای دونالد است. اگرچه شخصیت اصلی داستانهای احمدی نیز کودک است، این کودک، رفتار و حرکات کودکانه از خود نشان نمی‌دهد.

پی‌نوشت:

1. Megan McDonald

منابع

الف) کتابها

- بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای کودک احمد رضا احمدی و مگان مک دونالد
- احمدی، احمد رضا؛ در باران از سفر آمد؛ (ب) چ دوم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- ؛ عمر هفت چوب کبریت؛ (ث) چ دوم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- ؛ سفر؛ (الف)، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- ؛ عروس و داماد در باران؛ (ت)، تهران: نشر افق، ۱۳۹۲.
- ؛ در یک شب مهتابی که شب چهاردهم ماه بود؛ (الف)، چ دوم، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸.
- ؛ پروانه روی بالش من به خواب رفته؛ (ج)، چ دوم، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲.
- ؛ دیگر باران نمی بارید؛ (چ)، تهران: نشر نظر، ۱۳۹۲.
- ؛ کبوتر سفید و آینه؛ (ب)، تهران: نشر نظر، ۱۳۸۸.
- ؛ در بهار پرنده را صدا زدیم جواب داد؛ (ح)، تهران: نشر افق، ۱۳۹۲.
- ؛ روزی که مه بی پایان بود؛ (الف)، تهران: نشر شباویز، ۱۳۸۴.
- ؛ اسب و سیب و بهار؛ تهران: نشر نظر، ۱۳۸۵.
- ؛ نوشتم باران باران بارید؛ (ب)، تهران: نشر نظر، ۱۳۸۴.
- ؛ عروس و داماد در باعچه روئیده بود؛ (پ)، تهران: نشر شباویز، ۱۳۹۲.
- ◆ دونالد، مگان مک؛ مجموعه جودی دمدمی (۱۰ جلدی)؛ ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران: نشر افق، ۱۳۹۲.
- ؛ جودی دکتر می شود؛ (الف)، ترجمه محبوبه نجف خانی، تهران: افق، ۱۳۹۲.
- ؛ جودی دنیا را نجات می دهد؛ (ب)، ترجمه محبوبه نجف خانی، چ سیزدهم، تهران: افق، ۱۳۹۲.
- ؛ جودی و تعطیلات پر ماجرا؛ (پ)، ترجمه محبوبه نجف خانی، چ سیزدهم، تهران: افق، ۱۳۹۲.
- خسرو نژاد، مرتضی؛ معصومیت و تجربه؛ چ پنجم، تهران: مرکز، ۱۳۸۲.
- ؛ دیگر خوانی های ناگزیر؛ نقد و نظریه ادبیات کودک؛ تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، ۱۳۸۴.
- میرصادقی، جمال؛ عناصر داستان؛ چ سوم، تهران: سخن، ۱۳۷۶.
- نورتون، دונה و ساندرا؛ شناخت ادبیات کودکان؛ گونه ها و کاربردها از روزن چشم کودک؛ ترجمه منصوره راعی و دیگران، تهران: قلمرو، ۱۳۸۲.
- ۱۶۳ ◆ فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۹، بهار ۱۳۹۷

ب) مقالات

- انصاریان، معصومه؛ «مقاله کودک امروز را باید از نو شناخت»؛ *کتاب ماه کودک و نوجوان*، مرداد، ش ۴۶، ۱۳۸۰.
- پارسایی، حسن؛ «انتزاع و تجربه‌گرایی یکسویه؛ نقد دو اثر داستانی احمد رضا احمدی»؛ *کتاب ماه کودک و نوجوان*، اسفند، ش ۱۶۱، ۲۴ تا ۲۹، ص ۱۳۸۹.
- _____؛ «نقد و بررسی «بازی» گونگی زندگی از نگاه تخیلی و داستانی کودکان»؛ *کتاب ماه کودک و نوجوان*، آذر، ش ۱۸۲، ۲۳-۱۳، ص ۱۳۹۱.
- حافظی، علی؛ «بیشی در روانشناسی ادبیات کودک و نوجوان»؛ *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، پاییز، ش ۲۶، ۱۳-۴، ص ۱۳۸۰.
- حسام‌پور، سعید، املشی‌پیروزی، زهرا و اسدی، سمانه؛ «خواننده نهفته در دو داستان کودک احمد رضا احمدی»؛ *نقد ادبی*، س ۶، ش ۲۱، بهار، ص ۱۱۱-۱۳۵، ۱۳۹۲.
- خسرو‌نژاد، مرتضی؛ «تأملی بر همنشینی ادبیات کودک و فلسفه برای کودکان»؛ *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*؛ بهار، ش ۲۰، ۱۰۹-۱۲۴، ص ۱۳۸۶.
- عفتی‌کلاته، مریم؛ «نقد و بررسی دو داستان «جودی انجمن مخفی تشکیل می‌دهد» و «حاطرات خون‌اشام عاشق» از منظر برنامه فلسفه برای کودکان؛ *فلسفه و کودک*، ش ۹، بهار، ص ۵۹-۸۲، ۱۳۹۴.
- کاثدی، شهره؛ «قصه‌گویی در شعر (نگاهی به کتابهای کودک و نوجوان احمد رضا احمدی)»؛ *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ش ۶۵، اسفند، ص ۲۳-۲۹، ۱۳۸۱.
- میرغیاثی، سیده ربابه؛ «معرفی کتاب: جودی دمدی عنوان کتاب: جودی انجمن مخفی تشکیل می‌دهد»؛ *کتاب ماه کودک و نوجوان*، مهر، ش ۱۳۲، ۲۴-۱۹، ص ۱۳۸۷.
- نعمی، زری؛ «گم، مقایسه دو اثر در نگاهی کلی»؛ (الف)، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، مهر، ش ۹۶، ۹۶، ۱۳۸۴.
- _____؛ «کجای جهان ایستاده‌ایم»؛ (ب)، *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، پاییز، ش ۴۲، ۱۳۸۴.